



دکتر مهدی امینیان

پژوهشگر و تحلیل‌گر فرهنگ و سیاست آمریکایی
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

یادداشت تحلیلی

اشغال کنگره از جیب اعتبار آمریکا، به کام هسته سخت دو حزب حاکم

روایتی از خدشه‌دار شدن اعتبار آمریکایی در دوره جدید

کشاندن مردم معترض به صحنه واقعی انتخابات و مداخله آشکار در فرآیندهای انتهایی آن به بهانه تقلب در فرآیندهای اولیه، آخرین تیری بود که ترامپ، در کمانش داشت و شلیک کرد اما از قضا، کمانه کرده و تیر خلاص وی به آینده سیاسی خودش شد. به همین دلیل بود که تلاش کرد تا حساب تویتری خود را دوباره باز کرده و با ارسال یک ویدیو، خود را از صف هوادارانش که با تحریک او به کنگره ریخته بودند، جدا کند. این ویدیو، حتماً خشم هوادارانش را برانگیخته است، زیرا آن‌ها که با اعتراضات ششم ژانویه همراهی کردند، حالا ترامپ را به عنوان یک دروغ‌گویا ترسو می‌شناسند و آن‌ها که مخالف او بودند، سخنان جدید او را اعتراف به اشتباهی می‌دانند که وی و هواداران منطقی‌تر او را باهم زیر سؤال برد. خشم، تنها به هواداران ترامپ منحصر نشد، بلکه تیم نزدیک

اعتراض خود نسبت به مفاسد نظام حاکم بر آن کشور دست بزنند. اوایل سال ۲۰۱۲ میلادی نیز که ۳-۴ ماه از شروع جنبش وال استریت و تجمع در آن خیابان می‌گذشت سخنگوی پلیس پایتخت اعلام کرد که عده‌ای به این ارگان، درخواست داده‌اند تا اجازه دهد یک تجمع مسالمت‌آمیز در داخل ساختمان کنگره آمریکا برگزار کنند^۲ - که حرکتی متناظر با اشغال وال استریت که اعتراض به بی‌عدالتی‌های نظام اقتصادی آمریکا بود - این بار در عرصه سیاسی داشته باشند. همان‌گونه که از طبیعت دولت‌ها برمی‌آید، آن درخواست هیچ‌گاه اجابت نشد و اعتراضات در بیرون ساختمان کنگره برپا شد اما این بار، پس از یک زدوخورد اولیه، راه برای معترضان به داخل ساختمان باز شد.

پس از فیلمی که ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی از شبکه‌های آمریکایی به جهان مخبره شد و نشان می‌داد دو هواپیمای مسافربری به برج‌های دوقلو اصابت کرده‌اند، شاید هیچ فیلم دیگری به اندازه اشغال کنگره آمریکا، توسط عده‌ای با سرووضع خاص که شعارهایی علیه دموکراسی حاکم بر آن کشور سر می‌دهند، شوکه‌کننده نبوده است. جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب وقت، سی‌ان‌ان، ای بی سی و تعدادی از رسانه‌های دیگر، این حرکت را «حمله و هجوم بی سابقه» خواندند که برخی تحلیلگران مانند اریک فونر، تاریخدان دانشگاه کلمبیا آن را به «خصوصیت با دموکراسی» نسبت دادند اما این امر، ریشه در دموکراسی ستیزی داشت و اولین بار نیز نبود که مردم معترض، عزم می‌کردند تا داخل ساختمان کنگره، به نمایش

2. <https://www.politico.com/story/2012/01/protestors-ready-to-occupy-congress-071524>

1. <https://www.nationalgeographic.com/history/2021/01/historians-on-the-unprecedented-chaos-in-congress/>



واکنش چهره‌های محبوب و سران دو حزب به این حادثه، در روز تصویب آرای ایالات در سنا چه بوده است؟ هرچند همین بررسی‌ها به تدریج، پیامدهای عمیق‌تری را آشکار ساخت که در اینجا، به دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها یکی در کوتاه‌مدت و دیگری در بلندمدت می‌پردازیم.

رسانه‌های غربی به ابعاد فنی ترماجرا پرداختند، مانند اینکه هويت چهار معترض کشته شده در این ماجرا، چه بوده است؟^۱ چگونه این عده توانستند نسبتاً بدون درگیری با پلیس، وارد کنگره شوند یا اینکه چه تعداد از آن‌ها از روی تصاویر منتشرشده، شناسایی شده‌اند و

به او را نیز پراکنده ساخت. بتسی دووس، وزیر آموزش که توانسته بود کارهای ترامپ را برای چهار سال تحمل کند، نوشت: «روشن است که سخنان تحریک‌آمیز شما در شکل‌گیری این وضعیت نقش داشت و من، دیگر نمی‌توانم چنین چیزی را تحمل کنم». ابتدا

1. <https://www.inquirer.com/politics/election/live/capitol-news-insurrection-trump-biden-updates-white-house-congress-20210107.html>

2. <https://edition.cnn.com/2021/01/06/politics/us-capitol-lockdown/index.html>

پیامد فوری: آبروریزی بین‌المللی برای هیمنه پوشالی نظام سیاسی آمریکا

اینکه در ایالات متحده نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر، میلیون‌ها انسان ناآگاه و ناراضی زندگی می‌کنند، واقعیتی نیست که دو حزب حاکم دوست داشته باشند تا در مقابل چشم جهانیان آشکار شود، هرچند عدم مداخله جدی از سوی پلیس، این تئوری را تقویت کرد که هسته سخت دو حزب حاکم در ازای پیامد بلندمدت، این اتفاق حاضر شده‌اند از سپرده اعتبار آمریکا هزینه کنند. تصویرسازی هالیوودی از آمریکا، معمولاً شامل قهرمان‌های آمریکایی است که نه فقط آمریکا، بلکه جهان را از شر نیروهای خطرناک نجات می‌دهند و اگر یکی از مقامات نظامی یا سیاسی آن کشور نیز درگیر یک جنایت یا کلاه‌برداری شوند، احتمالاً یک سیاه‌پوست است اما حالا تصویر و فیلم‌های منتشر شده از کنگره، نشان داد که بسیاری از آن‌ها سفیدپوست بوده و تعدادی نیز سابقه خدمت در ارتش را داشته‌اند. در حالی که دولت ایالات متحده در هنگام بروز آشوب‌های انتخاباتی در برخی کشورهای متخاصم مانند ایران و روسیه، جانب معترضان را گرفته و در همدردی با آنان، سخن

از ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی و تغییر رویه‌های سیاسی به میان می‌آورد، حال پس از بروز آشوب انتخاباتی در داخل آمریکا، سران دو حزب حاکم نه‌تنها آن را نشانه‌ای از ضرورت اصلاح نظام انتخاباتی و رویه‌های سیاسی واشنگتن ندانستند، بلکه با معترضان -که البته آن‌ها را «تروریست‌های داخلی» خطاب می‌کنند- هیچ‌گونه همدردی‌ای نداشتند.

پیامد بلندمدت: احیای اتحاد حزبی علیه ساختارشکنان

اگرچه دونالد ترامپ به عنوان یک نامزد جمهوری خواه در انتخابات ۲۰۱۶ میلادی شرکت کرد اما از همان زمان، تحلیلگران نسبت به تفاوت جایگاه سیاسی وی با سیاستمداران جمهوری خواه هشدار داده بودند؛ آن‌ها از آن جهت که او پیش‌تر یک شخصیت سیاسی نبوده بلکه تنها رئیس‌جمهوری بوده که هیچ سابقه اجرایی نداشته و رویکردهای حزبی خود را تغییر داده است و هم از این نظر که برخی دیدگاه‌های سیاسی و امنیتی وی، آشکارا در تضاد با مواضعی بود که دو حزب حاکم به عنوان منافع حیاتی آمریکا در جهان تعریف کرده و بر آن اتفاق نظر داشتند؛ مانند لزوم حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در مناطق مختلف جهان با هدف

گسترش دموکراسی که از وودرو ویلسون دموکرات در دوره جنگ جهانی اول گرفته تا جرج دبلیو بوش جمهوری خواه، در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی تکرار می‌کردند. براین اساس از ابتدای دولت ترامپ، حزب جمهوری خواه هیچ‌گاه همه تخم مرغ‌های خود را در سبد دولت او نگذاشت. معمولاً برخی سیاستمداران جمهوری خواه با وی در لویچی که به کنگره ارائه می‌داد، ساز مخالف زده و در مواقعی که مواضع نژادپرستانه می‌گرفت (مانند حمایت تلویحی از برتری طلبان سفیدپوست یا توهین به سیاه‌پوستان)، علناً وی را محکوم می‌کردند. سناتور جان مک‌کین و سناتور جف فلیک، از همین دست بوده‌اند.^۱ این وضعیت پس از رأی‌گیری در انتخابات ۲۰۲۰ و روشن شدن نتایج اولیه و مخالفت ترامپ با آن، اوج گرفت و در نهایت با رأی ۲۳۲ نماینده از دو حزب در مجلس نمایندگان، به استیضاح رئیس‌جمهور به دلیل نقشی که در به آشوب کشیده شدن کنگره داشت^۲، عملاً ارتباط حزب جمهوری خواه با ترامپ را به کلی منقطع کرد. حمله طرفداران ترامپ به کنگره، می‌توانست برای حزب

1. <https://edition.cnn.com/2017/08/16/politics/republicans-list-denouncing-trump-by-name/index.html>
2. <https://www.nytimes.com/live/2021/01/13/us/trump-impeachment#which-republicans-voted-to-impeach-trump>



جمهوری خواه، گران تمام شود اما در روزهای بعد از این اتفاق، صف خود را از ترامپ جدا کردند که هم به نمایی از اتحاد دو حزب بر سر اصول و منافع ملی تبدیل شد و هم دو حزب حاکم بار دیگر پس از چهار سال، علیه سیاستمداران و فعالان سیاسی ضد ساختار به یک جبهه بندی مشترک رسیدند. منظور از اینکه چنین پیامدی بلندمدت است، این نیست که جبهه بندی مشترک دو حزب حاکم، حتماً دیرپا خواهد بود، بلکه جبهه بندی کنونی که بدان دست یافتند، می تواند به عنوان یک تجربه از سوی آن ها به عنوان سرمایه ای برای روندهای بلندمدت پیش رو به کار گرفته شود؛ هر چند ظهور پدیده ترامپ و نظرسنجی هایی که حاکی از افزایش شهروندان مستقل و غیر حزبی در جامعه آمریکا است، نشان می دهد روندهای پیش رو برای سیاستمداران و مجتمع نظامی صنعتی حاکم، به راحتی طی نخواهد شد.